

# ان تا جای سرد

## همسرکشی به خاطرب

در جنجالی‌ترین و عجیب‌ترین انگیزه همسرکشی، مردی در تبریز زنش را به خاطر استفاده زیاد از رب به قتل رساند. مجتبی جمال، بازپرس جنایی تبریز می‌گوید: هنوز هوا کاملاً تاریک نشده بود که مرگ مشکوک و دلخراش زنی جوان در یکی از مناطق اطراف تبریز گزارش شد. به دنبال این گزارش به همراه تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی تبریز سریع به محل حادثه رفتیم تا به علت مرگ مشکوک این زن جوان پی ببریم. وقتی به محل جنایت رسیدیم با پیکر بی جان زنی جوان مواجه شدیم که غرق در خون خود روی زمین افتاده بود و به گفته همسرش وی در اقدامی هولناک، خودکشی کرده و برای همیشه به زندگی‌اش پایان داده اما با توجه به صحنه جرم، گفته‌های شوهر را باور نکرده و دستور دستگیری او را به عنوان تنها مظنون پرونده به کارآگاهان صادر کردیم. بعد از دستگیری مشخص می‌شود متهم اصلی پرونده همین شوهر جوان است و او برای گمراه کردن بازپرس، پس از قتل زنش با اسلحه شاتگان طوری صحنه‌سازی کرده بود که انگار زن جوان خودکشی کرده است. علت این اقدام هولناک مرد جوان، عدم رضایت او از نحوه آشپزی و استفاده زیاد از رب گوجه‌فرنگی در تهیه انواع غذاها از جمله املت بوده است. این زوج جوان دارای یک فرزند دختر پنج‌ساله نیز هستند.

## دهان همسرم بو می‌داد، کشتمش

تحقیقات جنایی در این پرونده پس از گزارش قتل نوعروس ۱۷ ساله‌ای به نام فرناز در خانه پدرشوهرش آغاز شد. مأموران پلیس به ساختمان مورد نظر رفتند و رسیدگی به پرونده را آغاز کردند. شواهد نشان می‌داد فقط چند روز از عقد فرناز و جعفر ۲۸ ساله گذشته بود و نوعروس برای مهمانی پاکشا به خانه پدرشوهرش رفته بود که با ضربه‌های چاقو از پا درآمد. تازه داماد بازداشت شد و به قتل همسرش اعتراف کرد. او گفت: زنم را کشتم چون خیلی شلخته بود. به دنبال بازسازی صحنه جرم، کیفرخواست صادر و پرونده برای رسیدگی به دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. در آن جلسه مادر فرناز برای دامادش حکم قصاص خواست و گفت: دخترم پدر نداشت و او را به ته‌پایی و با رنج و سختی زیاد بزرگ کرده بودم. دخترم را با هزار امید و آرزو عروس کردم اما این مرد، دخترم را بی‌رحمانه کشت. وقتی متهم روبه‌روی قضات ایستاد، گفت: من فرناز را نمی‌شناختم. مادرم به‌طور اتفاقی او را در خیابان دیده و به من معرفی کرده بود. اولین بار که فرناز را دیدم از او خوشم آمد و خیلی زود به خواستگاری‌اش رفتیم. فرناز و مادرش هم با این وصلت موافقت کردند اما شرط گذاشتند مراسم عقد به سرعت انجام شود. متهم ادامه داد: شش روز پس از خواستگاری، من و فرناز به عقد هم درآمدیم. چند روز بعد مادرم، فرناز و مادرش را با گشا کرد. وقتی با زنم تنها شدم، تازه فهمیدم او دختر شلخته‌ای است و دهانش بو می‌دهد. من که احساس می‌کردم سرم کلاه رفته و زندگی‌ام تباہ شده است، از کوره در رفتم و زنم را کشتم. در پایان جلسه قضات وارد شور شدند و متهم را به قصاص محکوم کردند. این حکم در دیوان عالی کشور مهر تأیید خورد و قطعی شد.

## درگیری مرگبار سر پخت غذا

ساعت ۱۴ بیست‌وهشتم اسفند سال گذشته مأموران پلیس مشهد در جریان قتل هولناک در محله ۱۷ شهریور قرار گرفتند. تیم جنایی وقتی در محل جنایت حاضر شدند، با جسد زنی جوان رو به رو شدند که آثار جراحت شدید روی سر و صورتش دیده می‌شد. در ادامه مشخص شد، مرد ۴۲ ساله پس از درگیری با همسرش و در مقابل چشمان دو کودکش، روی سینه زن جوان نشسته و آنقدر سرش را به زمین کوبیده بود که باعث مرگ او شد. این مرد در تحقیقات اولیه اعتراف کرد: امروز ظهر بر سر پخت غذا با همسرم درگیر شدم. عصبانی بودم و کنترلی بر رفتار نداشتم و او را کشتم. خانواده متهم به قتل در تحقیقات مدعی شدند او مبتلا به اختلالات روانی است.

## دوری همسرم سخت بود

سال گذشته مأموران پلیس در جریان قتل زنی در غرب تهران قرار گرفتند. تیم جنایی پس از حضور در محل با جسد زنی میانسال روبه‌رو شدند که با ضربه‌های چاقو به قتل رسیده بود. فرزندان مقتول شاهد این جنایت بودند و پدرشان را به عنوان قاتل معرفی کردند. متهم به قتل خیلی زود دستگیر شد و گفت: مدتی بود به مواد مخدر اعتیاد داشتم و صدایی در سرم می‌پیچید و می‌گفت همسرم به من خیانت می‌کند. من عاشق زنم بودم. روز حادثه با او دعوا کردم و تهدید کرد طلاق می‌گیرد. این حرفش مرا عصبانی کرد. بدون او نمی‌توانستم زندگی کنم. به همین خاطر با چاقو کشتمش تا از من جدا نشود!

## مخالف سفر همسرم به ایران بودم

در آخرین روزهای سال گذشته مأموران پلیس آگاهی تهران در جریان سقوط مرگبار زن تبعه افغانستان از پشت بام خانه‌ای قرار گرفتند. آنها با حضور در محل، تحقیقات خود را آغاز کردند. شوهر این زن مدعی بود همسرش خودکشی کرده اما شواهد، روایت دیگری داشت. به همین خاطر این مرد بازداشت شد و پس از چند روز سکوت به قتل اعتراف کرد و گفت: یک سال ونیم قبل با همسرم در کشور افغانستان ازدواج کرده و خیلی زود با مشکلاتی روبه‌رو شدیم و پس از مدتی همسرم با خواهرش و به صورت مخفیانه و غیرقانونی به ایران آمدند. از همسرم خواستم تا به خانه برگردد اما مخالفت کرده و به همین خاطر چهار ماه قبل به ایران آمدم و در شهرهای اصفهان و دماوند کارگری کردم تا همسرم را پیدا کنم. سراغش رفته و با هم درگیر شدیم. او دوست داشت در ایران باشد، به همین خاطر درگیری به پشت بام کشید و او را به پایین هل داده و با صحنه‌سازی سعی کردم مرگش را خودکشی نشان دهم.

گزارش هفته

تیز

ویژه‌نامه حوادث | روزنامه جام جم | ۵

چهارشنبه ۲۹ فروردین ۱۴۰۳ | شماره ۱۰۵۶